



موقیعت‌سازی، موقیعت‌شناسی و موقیعت‌سوزی از دیدگاه قرآنی

علی اکبر عالمیان

اشاره

با تتبع در آیات گوناگون قرآن می‌توان به مواردی دال بر هشدار قرآن درباره موقیعت‌سوزی و تاکید آن بر موقیعت‌شناسی و موقیعت‌سازی دست یافت. تحقیق حاضر به این موضوع پرداخته است. هر چند مشخص است که می‌توان آیات دیگری را نیز در این باره استخراج کرد.



الف) موقیعت‌سازی

مهم‌ترین مؤلفه موقیعت‌سازی از دیدگاه قرآن، بعثت انبیا است؛ چرا که این مساله موجب شد تا بشر فرصتی بی‌نظیر و ظرفیتی بالا برای رشد و تکامل به دست آورد: «کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشّرين و منذرین و أنزل معهم الکتاب» (بقره، ۲۱۳) مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. به‌تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلاف‌ها و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل کرد؛ تا در میان مردم، در آن‌چه اختلاف داشتند، دوری کند - خداوند انبیا را برانگیخت تا انسان‌ها را از ظلمات خارج و به سمت نور هدایت کند: «و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم، ۵) موسی کلیم ﷺ را همراه با نشانه‌های رسالت اعزام کردیم و به او گفتیم که قوم خود را از تاریکی‌ها به نور، بیرون بیاور و برای آمادگی آن‌ها جهت خروج از تیرگی به نور، آنان را از روزهای الهی - که قدرت حق در آن‌ها ظهور خاص دارد - متذکر نما و جریان صبر و شکیبایی و شکرگزاری را با آنان در میان بگذار، تا در پرتو تحمّل حادثه‌های توانفرسا و سپاس خدا بر این پایمردی و پیروزی، از ظلمت به نور آیند.

بعثت انبیا سه موقیعت بسیار مهم برای انسان‌ها فراهم آورد. این سه موقیعت را می‌توان چنین برشمرد:

۱. دعوت به یگانه‌پرستی

دعوت به یگانه‌پرستی، از مهم‌ترین نتایج و مأموریت‌های پیامبران به شمار می‌آید. آیات متعدد قرآن این مساله را مورد تاکید قرار



می‌دهد و تاکید می‌کند که سرلوحه دعوت همه پیامبران، فراخوانی مردم به سوی توحید بوده است: «وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ...» (نحل، ۳۶) و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم؛ [تا بگوید]: «خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید!»

«وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۲۵)

«و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید.»

دعوت به پرستش خدای یگانه، حقیقت مشترک و روح اصلی دعوت همه پیامبران الهی بوده است و این خود ایجاد یک موقعیت طلایی برای تعالی انسان‌ها به شمار می‌آید. روح توحید، همان روح تکامل و موقعیتی برای رشد انسان‌ها و دریده شدن پرده جهل و ظلمت است.

۲. مبارزه با مفاسد اجتماعی

دومین موقعیتی که با بعثت انبیا ایجاد شد، مبارزه با مفاسد اجتماعی و اخلاقی حاکم در جامعه بود. فساد ایجاد شده در جامعه مانند موربانه، تار و پود آن جامعه را از هم می‌درد و نابود می‌سازد. در سایه مبارزه پیامبران با سیل بنیان کن فساد و تباهی، موقعیتی استثنایی برای رهایی بشریت از این چاه ویل ایجاد و زمینه رشد و تکامل انسان‌ها فراهم می‌شود: «وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره، ۲۵۱) خداوند به داود علیه السلام پادشاهی و حکمت عطا کرد و از آن چه می‌خواست به او علومی آموخت و اگر خدا خطر مردم را به وسیله خودشان از یکدیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد در برمی‌گرفت... مبارزه با فساد نیز مراتب گوناگونی دارد؛ چه مبارزه با فساد اقتصادی، آن‌جا که خداوند به حضرت شعیب علیه السلام دستور مبارزه با «کم‌فروشی» می‌دهد: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ، وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ...» (شعرا، ۱۸۳-۱۸۱) پیمانانه را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. و با ترازوی درست بسنجید و از ارزش اموال مردم مکاهید... و چه مبارزه با فساد اجتماعی که این دستور به حضرت لوط علیه السلام داده می‌شود: «أَتَاتُونِ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ تَدْرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلِ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ.» (شعرا، ۱۶۶-۱۶۵) آیا از میان مردم جهان، با مردها درمی‌آمیزید؟ و آن چه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده و می‌گذارید، (نه) بلکه شما مردم تجاوزکارید.

۳. تشکیل حکومت

این خلدون راه رسیدن به تمدن را تشکیل حکومت می‌داند و معتقد است دولت با گردآوری مالیات از مردم و پخش آن در میان کارگزاران، سبب افزایش ثروت آنان می‌شود و همین زمینه تجمل و به تبع آن رشد صنعت و هنر را فراهم می‌کند. بدین ترتیب با گذشت زمان روش‌هایی منظم از زندگی، کار، دانش، صنعت، اداره شوون مملکت و فراهم کردن وسایل رفاه و آسایش مردم حاصل می‌شوند. روند رو به تکامل شوون یادشده، به آن‌ها نظام بخشیده و با تولید علم، رشد خرد جامعه را سبب می‌شود.

(بنگريد: عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، به كوشش علي عبدالواحد، قاهره، دار نهضة مصر ج ۱، ص ۳۶۹ و ۱۷۲) جدای از این نظریه معروف ابن خلدون باید گفت که یکی از عوامل رشد انسان‌ها، تشکیل حکومت صالحان است و یکی از موقعیت‌سازی‌های پیامبران نیز همین مساله بود تا از این رهگذر به بشریت خدمت کنند. خداوند متعال به پیامبر اسلام می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِثِينَ خَصِيمًا» (نساء، ۱۰۵). ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آن چه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت کنی. این آیه خود بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد.

در آیه ۴۹ و ۵۰ مائده نیز خداوند به پیامبر خود تاکید می‌کند در میان اهل کتاب، طبق حکم الهی دوری کن؛ زیرا اجرای احکام و حکم کردن طبق قرآن، از امور اجتماعی است که با تشکیل حکومت امکان‌پذیر است: «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخذْهُمْ أَنْ يَقْتُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ. أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ.» و در میان آن‌ها (اهل کتاب)، طبق آن چه خداوند نازل کرده، دوری کن؛ و از هوس‌های آنان پیروی مکن! و از آن‌ها برحذر باش، مبدا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آن‌ها (از حکم و دوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می‌خواهد آنان را به خاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. آیا آن‌ها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟!

خداوند در آیه ۶۷ مائده به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد خلافت و ولایت علی علیه السلام را به مسلمانان ابلاغ فرماید که در غیر این صورت ابلاغ رسالت نکرده: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.» ای پیامبر! آن چه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرهای احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. خداوند همچنین به جریان حکومت ابراهیم نبی اشاره و تصریح می‌کند: «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) - (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود؛ و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «هن تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!») خداوند فرمود: «پیمان من، به مستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)»

پس در یک کلام می‌توان گفت که دعوت به توحید، مبارزه با فساد و تشکیل حکومت، از ارکان بعثت انبیا بوده و موجب به وجود آمدن موقعیتی بی‌مانند برای بشریت شده است.



ب) موقعیت‌شناسی

۱. امتحان الهی

یکی از موقعیت‌های مهمی که سر راه انسان قرار می‌گیرد و هوشیاری و موقعیت‌شناسی شخص را می‌طلبد، سنت امتحان و آزمایش (سنت ابتلا) است که یکی از عمومی‌ترین سنت‌های الهی به شمار می‌آید. خداوند، همه انسان‌ها را در هر زمان و وضعیتی در بوته آزمایش و ابتلا قرار می‌دهد. ابتلا و امتحان الهی، قرار گرفتن انسان در مقابل رویدادی است که می‌تواند در آن یکی از دو راه خوب و بد و یکی از دو طریق سعادت و شقاوت را برگزیند. این به موقعیت‌شناسی انسان برمی‌گردد که کدام راه را برگزیند.

سنت ابتلا، فراگیر است و همه انسان‌ها اعم از مؤمنان، منافقان، پیامبران و امامان را دربرمی‌گیرد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. وَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلْيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت، ۲ و ۳) آیا مردم گمان کردند همین که بگویند «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.

این که برای چه انسان امتحان می‌شود هم مشخص است: «لنا جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم ايهيم احسن عملا» (کهف، ۷) - آن چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها (مردم) را ببازماییم که کدامشان نیکوتر عمل می‌کنند - این امتحان البته در ساحت‌های گوناگون شکل می‌پذیرد؛ یا در خیر و شر: «و نبلوكم بالشر و الخير فتنه و الينا ترجعون» (انبیاء، ۳۵)، یا در پست و مقام و درجه: «و رفع بعضكم فوق بعض درجات ليلوكم في ما آتاكم» (انعام، ۱۶۵)، یا در ترس و گرسنگی و کمبود در مال‌ها و جان‌ها: «و لنبلونكم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و النفس و الثمرات و بشر الصابرين» (بقره، ۱۵۵)، یا در جنگ و جهاد: «و لنبلونكم حتى نعلم المجاهدين منكم و الصابرين و نبلوا اخباركم» (محمد، ۳۱)، یا در مرگ و حیات: «الذی خلق الموت و الحیاة لیلوكم ایکم احسن عملا» (ملک، ۲) و یا در اموال و اولاد: «و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه» (انفال، ۲۸)

خداوند از همه امتحان می‌گیرد؛ چه حضرت ابراهیم «و از ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فتمهن قال انی جاعلک للناس اماما» (بقره، ۱۲۴)، چه حضرت موسی: «و فتناک فتونا فلبث سنین فی اهل مدین ثم جئت علی قدریا موسی» (طه، ۴۰)، چه حضرت داود: «و ظن داود انما فتناه فاستغفر ربه و خز را کما و اناب» (ص، ۲۴)، چه فرزند این پیامبر یعنی حضرت سلیمان: «و لقد فتننا سلیمان و القینا علی کریه جسدا اناب» (ص، ۳۴) و چه مسلمانان در جنگ احزاب: «هنالک ابتلی المؤمنون و زلزالا شدیدا» (احزاب، ۱)، این‌ها همه نشانه این است که سنت آزمایش الهی، موقعیتی حساب شده برای همه انسان‌ها است. همه باید قدر این موقعیت را بدانند و از آن به درستی استفاده کنند.

۲. دشمن‌شناسی

یکی از مهم‌ترین مسائلی که قرآن در آن بر موقعیت‌شناسی مؤمنان تاکید کرده و درباره غفلت از آن هشدار می‌دهد، دشمن‌شناسی است. آیات متعددی از قرآن این مساله را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. قرآن، دشمن اصلی انسان‌ها را شیطان می‌داند: «ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا» (اسراء، ۱۷) چرا که همواره درصد است تا زشتی‌ها را زیبا جلوه دهد و اعمال بد را زینت داده، آن را به صورت اعمال زیبا نمایش می‌دهد: «و زین لهم الشیطان ما کانوا یعلمون» (انعام، ۴۳) خداوند همچنین از دشمنان دیگری نیز نام می‌برد و مسلمانان را به موقعیت‌شناسی در برابر حیل‌های این آن‌ها فرامی‌خواند. این دشمنان بزرگ عبارتند از: یهودیان: «لَتَجِدَنَّ اشد الناس عداوة للذین آمنوا الیهود...» (مائده، ۸۲) - به طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود خواهی یافت... - منافقان: «ان المنافقین فی الذکر الاضل من النار ولن تجد لهم نصیرا» (نساء، ۱۴۵) منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاری برای آن‌ها نخواهی یافت - و کافران: «و تلووا لئو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء فلا تتخذوا منهم اولیاء حتی ینهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حیث

خداوند، همه انسان‌ها را در هر زمان و وضعیتی در بوته آزمایش و ابتلا قرار می‌دهد. ابتلا و امتحان الهی، قرار گرفتن انسان در مقابل رویدادی است که می‌تواند در آن یکی از دو راه خوب و بد و یکی از دو طریق سعادت و شقاوت را برگزیند. این به موقعیت‌شناسی انسان برمی‌گردد که کدام راه را برگزیند.

و جدتوهم و لا تتخذوا منهم و لیا و لا نصیرا» (نساء، ۸۹) آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آن‌ها دوستانی انتخاب نکنید، مگر این که (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت کنند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند)، هر جا آن‌ها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسائید! و از میان آن‌ها، دوست و یار و یآوری اختیار نکنید - خداوند متعال هشدار می‌دهد که باید موقعیت‌شناس بوده و ضمن شناخت دشمن و نقشه‌های پیچیده آنان، از خطر نفوذشان جلوگیری کنید. به همین دلیل است که قرآن تاکید می‌کند از دوستی با دشمنان بپرهیزید. برای نمونه در آیه ۱۱۳ سوره هود، تصریح می‌کند که به ستمگران تکیه نکنید: «و لا تزکونوا الی الذین ظلموا». در آیه ۱۱۸ سوره مبارکه آل‌عمران نیز خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یألونکم خیالا و دونوا ما عنیتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هر گونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند



نداده است- بر اساس این اصل، دادن هر نوع امتیاز سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی و اجتماعی به غیرمسلمانان که به سیادت اسلام و جامعه مسلمین لطمه وارد می‌کند، ممنوع است. به همین دلیل است که قرآن از دوستی نزدیک با یهود و نصاری نهی می‌کند؛ زیرا پیروی از آرا و روش آن‌ها، هم‌شکل شدن با آن‌ها را به دنبال دارد که با عزت مسلمانان سازگار نیست. چراکه به تعبیر قرآن، امتیازخواهی آنان پایانی ندارد و آن‌ها جز به دست‌برد داشتن مسلمانان از آیین خود راضی نخواهند شد: «و لن ترضی عنک الیهود و لا النصارى حتى تتبع ملتهم» (بقره، ۲۰) -یهودیان و نصارا هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر آن که از آیین آن‌ها پیروی کنی- حفظ این سیادت هم تدبیر عالی می‌طلبد و هم روحیه‌ای عزتمندانه. هر دوی این‌ها خود معلول موقعیت‌شناسی و مصلحت‌سنجی مسلمانان به‌ویژه کارگزاران حکومتی است.

آثار موقعیت‌شناسی

در قرآن می‌توان آیاتی را یافت که بر آثار و پیامدهای مثبت موقعیت‌شناسی دلالت دارند. این آثار را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. پیروزی: در جنگ احد که در بحث موقعیت‌سنجی بدان اشاره خواهیم کرد، از دست دادن موقعیت پیروزی موجب شد تا مسلمانان تاوان سنگینی پس دهند. در آیات ۱۴۶ تا ۱۴۸ سوره آل عمران، خداوند با یادآوری استقامت یاران پیامبران گذشته، آنان را به عنوان الگوهای جهاد و استقامت معرفی می‌کند و به مسلمانان که پس از واقعه احد دچار ضعف روحیه شدند، روحیه می‌دهد: «وَكَايْنِ مِنِّي نَبِيٍّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ. وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسُنَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» - چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آن‌چه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد. سخنان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرستی‌های ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدم‌های ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! از این‌رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آن‌ها داد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد- اما در جنگ بدر می‌بینیم که موقعیت‌شناسی مسلمانان موجب پیروزی آنان شد. خداوند نیز در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ إِذْئَاتُ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكِرُونَ» (آل عمران، ۱۲۳) - خداوند، شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید!- اقدام به موقع مسلمانان در جنگ بدر، موجب پیروزی آنان شد؛ همان‌گونه که موقعیت‌سنجی آنان در احد به شکستشان انجامید.

۲. امدادهای الهی: خداوند وعده داده است که به انسان‌ها کمک می‌کند. این امداد و کمک در جایی است

شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آن‌چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است.

اصل موقعیت‌شناسی در برابر دشمنان و لزوم اتخاذ مواضع هوشمندانه در برابر آنان از تاکیدات فراوان آیات الهی به شمار می‌آید.

۳. اقدام به موقع

از عینی‌ترین مؤلفه‌های موقعیت‌شناسی از دیدگاه قرآن، اقدام به‌موقع و بهنگام است. مشخصاً می‌توان در این باره به دو موضوع مورد توجه در قرآن اشاره کرد. موضوع اول بحث جهاد و موضوع دوم بحث صلح است. درباره جهاد با دشمنان باید گفت که قرآن آن را به صورت تکلیف شرعی مطرح می‌سازد. آیات جهاد مؤید این نکته است. آیاتی مانند «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» (توبه، ۳۶)، «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (انفال، ۳۹)، «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه، ۵)، از جمله آیاتی هستند که بر جهاد با دشمنان تاکید دارند. در کنار این آیاتی نیز وجود دارند که مسلمانان را به صلح فرمان می‌دهند؛ برای نمونه می‌توان به این آیات اشاره کرد:

۱- «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» (انفال، ۶۱) و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست.

۲- «فَإِنْ عَزَّزُواكُمْ فَلَمْ يَغْتَابُواكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا...» (نساء، ۹۰) چون از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته و از در آشتی درآیند، خداوند راهی برای شما علیه آنان قرار نداده است.

۳- «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ» (ممتحنه، ۸) خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده و شما را از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد.

آیات جنگ را اگر در کنار آیات صلح بگذاریم، معنایی مشخص از آن بیرون می‌آید؛ این معنا عبارت است از لزوم اقدام به‌موقع! قرآن می‌فرماید در جایی که جهاد ضرورت دارد باید بجنگیم و در جاهایی که به صلح نیاز است باید صلح کنیم. این همان مفهوم موقعیت‌شناسی و مصلحت‌سنجی است.

۴. سیادت‌طلبی

قرآن، توجه فراوانی به حفظ موقعیت و سیادت مؤمنان دارد. یکی از مؤلفه‌های موقعیت‌شناسی از دیدگاه قرآن را می‌توان همین نکته دانست. اگر مؤمنان برتری دشمنان را بپذیرند، موقعیت و مکانت خود را از دست خواهند داد و بالعکس، چنان‌چه سیادت خویش را حفظ کرده، زیر یوغ آنان نروند و در وقت خود، اقدام مناسب داشته باشند و با توطئه‌های دشمنان مقابله کنند، به عزت و عظمت خواهند رسید. تاکید بر اصل نفی سبیل که از نص آیه قرآن برگرفته شده، در شمار همین مسأله است. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» - خداوند، سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار



انسان آفریده شده است تا به عبادت خداوند بپردازد و از موقعیت مهم و فرصت طلایی حضور در این دنیا، به تکامل برسد، نه این که موقعیت ممتاز بندگی خدا را رها سازد و فریب شیطان را بخورد. فریب از شیطان، موقعیت سوزی آشکار است. شیطان، انسان را از رسیدن به موقعیت ممتاز باز می‌دارد و مانع موقعیت شناسی او می‌شود. عینی‌ترین نشانه موقعیت سوزی از نگاه قرآن را بایستی در جریان قصه حضرت آدم دانست که موقعیت بی‌بدیل حضور در بهشت را با فریب خوردن از شیطان از دست داد و به دنیا هبوط کرد.



۳. امیدواری و بشارت: می‌توان یکی از آثار موقعیت شناسی را امیدواری و بشارت برای انسان دانست. آیات گوناگونی از قرآن بر این مساله تاکید دارند. خداوند متعال در آیه ۱۳۹ آل عمران تا کید می‌کند که انسان اگر مؤمن باشد، نباید هیچ‌گونه غصه‌ای را به دل راه دهد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». آیا غیر از این است که ایمان به خدای متعال موجب موقعیت شناسی انسان می‌شود؟ در ۱۴۰ همین سوره نیز خداوند دوباره به دو جنگ احد و بدر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» - اگر (در میدان احد) به شما جراحی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها (پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ (و این خاصیت زندگی دنیاست) - تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد - وقتی هم که خبر تجمع دوباره مشرکان به مسلمانان می‌رسد و آنان را نگران می‌سازد، خداوند به مجاهدان دلاری و بشارت می‌دهد

که انسان نیز موقعیت شناس باشد و موقعیت‌های به دست آمده را قدر بداند. برای نمونه، خداوند درباره جنگ بدر به این نکته اشاره می‌کند که: «... إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُغْدِكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» - (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد کرد - استقامت و تقوایی که در این آیه به آن اشاره شده، همان موقعیت شناسی است.

آیه ۹ سوره احزاب نیز درباره جنگ احزاب (خندق) در سال پنجم هجری است که خداوند از موقعیت شناسی مسلمانان تمجید کرده و آنان را مستحق امداد خود دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را به یاد آورید، آن هنگام که لشکریان دشمن به جانب شما هجوم آوردند، ولی ما باد و توفان سختی بر آن‌ها فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدید (و این گونه آنان را درهم شکستیم) و خداوند به آن چه کنید آگاه است.



شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر این که (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! و برای آن‌ها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیر خواهم، و به این ترتیب، آن‌ها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان (عورتشان) بر آن‌ها آشکار شد؛ و شروع کردند به قراردادن برگ‌های (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارش آن‌ها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» سپس جریمه این موقعیت‌سوزی را این گونه بیان می‌کند: «قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ. قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ» (اعراف، ۲۵-۲۴) (از مقام خویش،) فرود آید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود. فرمود: در آن (زمین) زنده می‌شوید؛ و در آن می‌میرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.

۲. کفر

یکی از مسائلی که به تعبیر قرآن موجب خسران انسان می‌شود و به از بین رفتن موقعیت‌های او می‌انجامد، کفر به خداوند متعال است. کفر، عاملی مهم در کوردلی و بی‌بصیرتی انسان است و به تعبیر قرآن موجب کفری، گنگی و کوری آنان شده به همین سبب (از راه خطا) باز نمی‌گردند: «صُمُّكُمْ عَمِّيٰ فَهَمُّ لَا يَزُجُّونَ» (بقره، ۱۸۸) خداوند همچنین در آیه‌های ۱۷۶ تا ۱۷۸ آل عمران نیز عواقب موقعیت‌سوزی کفر و کافران را این گونه بیان می‌کند: «وَلَا يَخْزِيكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ خَطَا فِي الْأَخْرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لَّا تُفْسِدُهُمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» - کسانی که در راه کفر، شتاب می‌کنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آن‌ها هرگز زبانی به خداوند نمی‌رسانند. (به علاوه) خدا می‌خواهد (آن‌ها را به حال خودشان واگذارد؛ و در نتیجه،) بهره‌ای برای آن‌ها در آخرت قرار ندهد. و برای آن‌ها مجازات بزرگی است! (آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زبانی نمی‌رسانند؛ و برای آن‌ها، مجازات دردناکی است! آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای این که بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آن‌ها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!

۳. تفرقه

از جمله مواردی که به موقعیت‌سوزی می‌انجامد، وجود تفرقه و اختلاف است. تفرقه موجب شدن انرژی جامعه در جهتی منفی است و همین موجب می‌شود تا به جای تعالی و تکامل، موقعیت‌های ممتاز در آتش این عامل بسوزد. خداوند متعال تأکید می‌کند که: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

که اگر هوشیار باشند و اقدام به موقع انجام دهند، خداوند به آنان توفیق عبادت خواهد فرمود: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَأَخْشَوْهُمْ فَرَأَوْهُمْ ابْتِئَاءً وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ فَغَدَّوْا لَهُمْ وَفَضَّلَ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. إِنَّمَا ذِكْرُ الشَّيْطَانِ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا رَبَّكَ الْغَلِيظَ. (آل عمران، ۱۷۵-۱۷۴) این‌ها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آن‌ها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» به همین سبب، آن‌ها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آن‌ها بترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید.»

ج) موقعیت‌سوزی

افزون بر دو موضوع موقعیت‌شناسی و موقعیت‌سازی، باید به موقعیت‌سوزی از نگاه قرآن نیز پرداخت. موارد زیر را می‌توان

فرزند نوح یکی از افراد موقعیت‌سوز در تاریخ به شمار می‌آید. او نتوانست از موقعیت پدرش استفاده کند و راه راست را بیابد و در نتیجه اقدام کردن به موقع، در گرداب خشم الهی غرق شد.

عینی‌ترین مؤلفه‌های موقعیت‌سوزی از دیدگاه قرآن دانست.

۱. فریب از شیطان

انسان آفریده شده است تا به عبادت خداوند بپردازد و از موقعیت مهم و فرصت طلایی حضور در این دنیا، به تکامل برسد، نه این که موقعیت ممتاز بندگی خدا را رها سازد و فریب شیطان را بخورد. فریب از شیطان، موقعیت‌سوزی آشکار است. شیطان، انسان را از رسیدن به موقعیت ممتاز باز می‌دارد و مانع موقعیت‌شناسی او می‌شود. عینی‌ترین نشانه موقعیت‌سوزی از نگاه قرآن را بایستی در جریان قصه حضرت آدم دانست که موقعیت بی‌بدیل حضور در بهشت را با فریب خوردن از شیطان از دست داد و به دنیا هیوط کرد. قرآن مجید در این باره می‌گوید: «فَوَسَّوَسَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ. فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» (اعراف، ۲۲-۲۰) سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آن چه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: پروردگارتان





کفر خود اصرار می‌ورزیدند، از او یک معجزه خواستند تا سخنانش را باور کنند. صالح گفت: هر چه از من بخواهید آن را اجابت می‌کنم. به او پیشنهاد کردند که اگر راست می‌گویی، از وسط این کوه سخت، ماده شتری دهمایه برای ما بیاور. حضرت پذیرفت و به خواست خدا همان‌طور که آن‌ها خواسته بودند، کوه شکافته شد و از میان آن شتری بیرون آمد. حضرت صالح به آن‌ها گفت: خداوند به شما امر می‌کند که از چشمه آب، یک روز شما بخورید و روز دیگر این ناقه شتر بخورد که به شما شیر بدهد. به او آسیبی نرساید و بگذارد تا روی زمین بچرد. همچنین به آن‌ها گفت که اگر چنین نکنید و با این شتر، بد رفتاری کنید، عذاب خدا بر شما می‌آید.

مدتی به همین صورت گذشت تا آن قوم، به فکر کشتن آن شتر افتادند؛ چون می‌گفتند که سهمیه آب ما را می‌خورد. از این رو، بدترین شخص انتخاب شد و شتر را کشت. با وقوع این حادثه، خداوند عذاب خود را به سوی این قوم روانه کرد؛ ابتدا صبحه آسمانی بلند شد و زمین لرزهای بر آن‌ها آمد. سپس صاعقه‌ای زده شد و آنان دیگر نتوانستند از جای خود بلند شوند و مانند گیاهان خشک، بی‌جان افتادند و هلاک شدند و به جز صالح پیغمبر و عده اندکی که به او ایمان آورده بودند، بقیه همه نابود شدند. در آن وقت، صالح به بدن‌های بی‌جان و سرد آن‌ها رو کرد و گفت: ای قوم من! رسالت خدایم را به شما تبلیغ و نصیحت کردم، ولی شما ناصحان را دوست نداشتید. خداوند در آیه‌های گوناگون این داستان را تعریف می‌کند: «وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَرُزَوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ. فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَعُّوهَا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْدُوبٍ. فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِن خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ. وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِعِينَ. كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِمُؤَدِّ» (هود، ۶۸-۶۴) ای قوم من! این ماده شتر خداوند است و نشانه‌ای است برای شما. بگذاردش تا در زمین خدا بچرد و به بدی میازایدش که به زودی عذاب شما را فروگیرد. پس ماده شتر را پی کردند. گفت: سه روز در خانه‌های خود از زندگی برخوردار شوید و این وعده‌ای است عاری از دروغ. چون امر ما فرا رسید، صالح را با کسانی که به او ایمان آورده بودند به رحمت خویش از خواری آن روز نجات بخشیدیم. زیرا پروردگار تو توانا و پیروزمند است. و ستمکاران را صیحه‌ای فروگرفت و در خانه‌های خود بر جای مُردند چنان‌که گویی هرگز در آن دیار نبوده‌اند. آگاه باشید که قوم مُمود به پروردگارشان کافر شدند، همان بر قوم مُمود لعنت باد.

۳. گوساله سامری

داستان گوساله سامری نیز یکی از مصادیق موقعیت‌سوزی از نگاه قرآن است. پیش از این که حضرت موسی (علیه السلام) برای مناجات با خدا، از شهر خارج شود، پیروان خود را آگاه و تاکید کرده بود که وی به مدت سی روز غایب خواهد بود. هنگامی از جانب خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) دستور داده شد که ده روز دیگر روزه بگیرد و ایام غیبت او از قومش طولانی شد: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ

الْبَيِّنَاتِ وَأُوَلِّيكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵) و مانند کسانی نباشید که بعد از آمدن دلایل روشن فرمان‌های خدا را تفرقه و تشمت و اختلاف را پیش گرفتند. آنان گرفتار عذاب دردناک شدند. این آیه، مسلمانان را از این که همانند اقوام پیشین، چون یهود و نصاری، راه تفرقه و اختلاف را پیش گیرند و عذاب عظیم برای قوم خود به ارمغان آورند، بر حذر می‌دارد و آن‌ها را به مطالعه تاریخ پیشینیان و سرنوشت دردناک آن‌ها پس از اختلاف و تفرقه، دعوت می‌کند. خداوند همچنین یکی از نتایج موقعیت‌سوز تفرقه را دوری از طریق حق دانسته، می‌گوید: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَیْكُمْ عَنِ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصِيكُم بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام، ۵۳) این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده و انحرافی پیروی نکنید که شما را از طریق حق دور می‌سازد. این چیزی است که خدای سبحان شما را به آن سفارش می‌کند شاید تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید.

قرآن همچنین به موقعیت‌سازی وحدت و همدلی اشاره و تاکید می‌کند: «وَ اذْکُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ اِذْ کُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالْفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ کُنْتُمْ عَلَی شِفَا حَفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَانْقَذَکُمْ مِنْهَا کَذَلِکَ یَبِیِّنُ اللَّهُ لَکُم اٰیٰتِهِ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳) نعمت بزرگ خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید. و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد، این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد. شاید پذیرای هدایت شوید. - درست به همین دلیل است که در همین آیه از تفرقه و اختلاف نهی می‌کند: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیْعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» - و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت) چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

موقعیت‌سوزان تاریخ در قرآن

در قرآن، مثال‌ها و داستان‌های گوناگونی درباره موقعیت‌سوزی افراد وجود دارد. یکی از این داستان‌ها، جریان حضرت آدم بود که گفته شد. برخی دیگر از این نمونه‌ها را به اجمال ذکر می‌کنیم:

۱. پسر نوح: فرزند نوح یکی از افراد موقعیت‌سوز در تاریخ به شمار می‌آید. او نتوانست از موقعیت پدرش استفاده کند و راه راست را بیابد و در نتیجه اقدام نکردن به موقع، در گرداب خشم الهی غرق شد. هنگام غرق شدن او، نوح از خداوند خواست تا پسرش را نجات دهد: «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود، ۴۶) خدایا! پسر من از خاندان من بود و تو خود وعده کردی که اهل من نجات می‌یابند. خدایا! وعده تو حق است؛ پس چرا فرزندم تباه شد - خداوند نیز در آیه بعدی به او پاسخ می‌دهد که او از خاندان محسوب نمی‌شود؛ زیرا خلف صالح نیست: «قَالَ يٰ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ»

۲. قوم ثمود: داستان شتر صالح و کشتن آن توسط قوم ثمود را می‌توان یکی از مصادیق موقعیت‌سوزی به شمار آورد. قوم ثمود که حضرت صالح را (نستجیر بالله) دیوانه و جادوزده خطاب کرده، بر



◀ جنگ احد، یکی از عینی‌ترین داستان‌های قرآنی درباره موقعیت‌سوزی مسلمانان است. این جنگ که آغاز آن با پیروزی‌های چشمگیر مسلمانان همراه بود، در ادامه به علت موقعیت‌شناسی آنان به شکستی سخت تبدیل شد و ضربه‌هایی جانکاه را متوجه مسلمانان کرد. شهادت حدود هفتاد تن از بهترین یاران پیامبر ﷺ و حافظان قرآن از جمله حمزه سیدالشهدا علیه السلام، مصعب بن عمیر، عبدالله بن جحش و عبدالله بن جبیر، وارد شدن زخم‌های فراوان بر پیامبر ﷺ، شکسته‌شدن پیشانی و دندان مبارک آن حضرت، وارد شدن حدود نود زخم بر بدن مطهر علی علیه السلام و... تنها بخشی از این ضربه‌ها بود.



دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی با من تماس بگیر و تو می‌دانی (از عذاب خداوند) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می‌کردی و بین ما آن را نخست می‌سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم. - قرآن، گوساله سامری را موجب گمراهی مردم و عامل موقعیت‌سوزی آنان معرفی می‌کند؛ موقعیتی که با همنشینی با موسی برای آنان به وجود آمد و با قبول مجسمه‌سازی سامری از بین رفت.

۴. بلعم باعورا

«بلعم باعورا» از علمای بنی‌اسرائیل و معاصر حضرت موسی بود و پیشگویی می‌کرد و از حوادث آینده خبر می‌داد. نام این شخص به‌صراحت در قرآن نیامده است اما بسیاری از مفسران، مضمون آیات ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره اعراف را درباره او دانسته‌اند: «وَ اِتَى الْاِنْسَانَ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَنْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ. وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصْصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ» - و بر آن‌ها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد. و اگر می‌خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و دانش‌ها) بالا می‌بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس وی را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی

اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ) «اعراف، ۱۴۲) ما با موسی علیه السلام سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل کردیم. - قوم موسی این طولانی‌شدن را تأخیر تلقی کردند و گفتند موسی به وعده‌ای که به ما داده بود، عمل نکرد. در این میان، مردی نیرنگ‌باز از بنی‌اسرائیل که قرآن او را سامری خوانده است، مردم را گمراه کرد: «قَالَ فَاِنَا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ اضْلَمْنَاهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه، ۸۵) فرمود ما قوم تو را بعد از تو، آزمون کردیم و سامری آن‌ها را گمراه کرد. - سامری با سوء استفاده از سابقه گوساله‌پرستی مردم مصر، قسمتی از زر و زیوری را که زنان بنی‌اسرائیل از مصر با خود آورده بودند از آن‌ها گرفت و در آتش ذوب کرد و از آن‌ها قالب گوساله‌ای ریخت و به شیوه هندسی ویژه‌ای آن را ساخت که هرگاه در آن، باد دمیده می‌شد، از دهانش صدایی مانند صدای گوساله خارج می‌شد: «وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ...» (اعراف، ۱۴۸) قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جانی که صدای گوساله داشت. - وقتی حضرت موسی علیه السلام از توطئه سامری مطلع شد، قوم خود را مورد عتاب قرار داد: «فَرَجَعَ مُوسَى اِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ اَسْفًا...» (طه، ۸۶) موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت. سپس عامل این فتنه، یعنی سامری را مورد خطاب شدید قرار داد و گفت: «قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ اَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَاِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَ اَنْظِرْ اِلَى الْاِهْكَ الَّذِي ظَلَمْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لِحُكْرَتِهِ ثُمَّ لَنْ نَسْفَعَهُ فِى اَيِّمٍ نَسْفًا» (طه، ۹۷) (موسی) گفت برو که بهره‌ت تو در زندگی



است که هرگز سیراب نمی‌شود! (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستان‌ها را (برای آن‌ها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند) بلعم بر اثر تمایل به فرعون و وعده و وعیدهای او از راه حق منحرف شد و همه مقامات خود را از دست داد، تا آن‌جا که در صف مخالفان موسی (علیه‌السلام) قرار گرفت. او موقعیت حضور و بهره‌مندی از محضر پیامبر بزرگ الهی را با فروختن خود و علمش به فرعون، از دست داد و در شمار موقعیت‌سوزان عالم قرار گرفت. قرآن، نتیجه کلی از سرگذشت بلعم و علمای دنیاپرست را این‌گونه بیان می‌کند: «سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ» (اعراف، ۱۷۷) چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و آن‌ها تنها به خودشان ستم می‌کردند.

۵. جنگ احد

جنگ احد، یکی از عینی‌ترین داستان‌های قرآنی درباره موقعیت‌سوزی مسلمانان است. این جنگ که آغاز آن با پیروزی‌های چشمگیر مسلمانان همراه بود، در ادامه به علت موقعیت‌نشناسی آنان به شکستی سخت تبدیل شد و ضربه‌هایی جانکاه را متوجه مسلمانان کرد. شهادت حدود هفتاد تن از بهترین یاران پیامبر ﷺ و حافظان قرآن از جمله حمزه سیدالشهدا رضی الله عنه، مصعب بن عمیر، عبدالله بن جحش و عبدالله بن جبیر، وارد شدن زخم‌های فراوان بر پیامبر ﷺ، شکسته‌شدن پیشانی و دندان مبارک آن حضرت، وارد شدن حدود نود زخم بر بدن مطهر علی رضی الله عنه و... تنها بخشی از این ضربه‌ها بود. قرآن در آیه‌های گوناگون سوره آل عمران به این ماجرا اشاره می‌کند. در آیه‌های ۱۵۲ و ۱۵۳ به اصل ماجرا اشاره کرده، می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِآيَاتِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُجِبُونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ تَضَعُونَ وَلا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ فَأَتَيْتُمْ عَمَّا بَيْنَكُمْ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» - [در روز نبرد احد] بی‌گمان خدا وعده خود را با شما راست گردانید: آن‌گاه که به فرمان او، آنان را می‌کشیدید، تا آن‌که سست شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنائم] با یکدیگر به نزاع پرداختید. و پس از آن که آن‌چه را دوست داشتید [یعنی غنائم را] به شما نشان داد، نافرمانی کردید. برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد. سپس برای آن‌که شما را بیازماید، از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد و از شما درگذشت و خدا نسبت به مؤمنان، با تفضل است. [یاد کنید] هنگامی را که در حال گریز [از کوه] بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید؛ و پیامبر، شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند. پس [خداوند] به سزای [این بی‌انضباطی] غمی بر عثمان [افزود] تا سرانجام بر آن‌چه از کف داده اید و برای آن‌چه به شما رسیده است، اندوهگین نشوید و خداوند نسبت به آن‌چه انجام می‌دهید با خبر است. - همچنین در آیه ۱۵۵ به جلوه دیگری از موقعیت‌سوزی مسلمانان اشاره

کرده، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ» - روزی که دو گروه [در احد] با هم رویارو شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پارهای از آن‌چه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزاند و قطعاً خدا از ایشان درگذشت؛ زیرا خدا آمرزگار بردبار است.

البته خداوند نقش منافقان را در موقعیت‌نشناسی مسلمانان متذکر می‌شود و در آیه‌های ۱۶۶ و ۱۶۷ به این نکته اشاره می‌کند: «وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فِئَادِي اللَّهِ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ بِالْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» - و روزی که [در احد] آن دو گروه با هم برخورد کردند، آن‌چه به شما رسید، به اذن خدا بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم بدارد؛ همچنین منافقان را [نیز] معلوم بدارد و به ایشان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می‌دانستیم بی‌گمان از شما پیروی می‌کردیم. آن روز، آنان به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. به زبان خویش چیزی می‌گفتند که در دل‌هایشان نبود و خدا به آن‌چه می‌نهفتند داناتر است.

۶. گناهکاران: قرآن، همچنین گناهکاران را از موقعیت‌سوزان می‌داند؛ چرا که آنان موقعیت حضور در دنیا را قدر ندانستند و در روز جزاء حسرت موقعیت‌های از دست رفته را می‌خورند. خداوند در آیه‌های ۲۸ و ۲۷ سوره فرقان می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» - (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را [از شدت حسرت] به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم.

در آیه دیگری هم آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ» (انفال، ۳۶) بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند، و آن‌گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت؛ سپس مغلوب می‌شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد. - به تعبیر قرآن، در روز قیامت گناهکاران از موقعیت‌های هدر رفته ابراز تاسف کرده، می‌گویند: «يَا حَسْرَتًا عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ». (زمر، ۵۶) دروغاً بر آن‌چه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم - به همین دلیل است که خداوند متعال در آیه ۳۹ از سوره مریم به همه مردم درباره روز حسرت هشدار داده است و تأکید می‌کند: «وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» - و آنان را از روز حسرت بیم ده، آن‌گاه که دوری انجام گیرد، و حال آن‌که آن‌ها [اکنون] در غفلتند و سرِ ایمان آوردن ندارند.